

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دھیم
از آن به که کشور به دشمن دھیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

تیمور شاه تیموری
المان – شهرک زیزن
۱۱ اگست ۲۰۱۴

آمدن و رفتن نواسه ام "شکیبا"

بعد از سپری شدن مدت ۲۰ سال تمام فراق و دوری، چشمم به جمال نواسه ام شکیبا روشن گردید. زمانی که از کابل عزیمت نمودم، او دوسال داشت. گفتم از من چیزی به یاد داری؟ گفت: ابدأ نه. گفتم ازن در ذهنت چه تصویری وجود داشت؟ گفت: به ملاحظه فوتوهای که دیده بودم، از خودت یک چهره در ذهن خود داشتم و مایل بودم که اگر برای مدت کوتاهی هم بوده باشد، از خودت و مادرکلانم دیدن کنم. او واقعاً مدت کوتاهی از ما دیدن کرد و مدت یک ماهی که با ما بود، مانند یک روز کوتاه سپری شد. در روز رفتنش سروده زیر را طور یادگار به دستش دادم و هیچ نوع امیدی برای بازدید او و دیگران ندارم، زیرا در سرآشویی پیری به سوی پرتگاه نیستی به شدت هرچه تمامتر روانم.

شکیبا

شکیبا نام میداری، ولیکن ناشکیبائی	میان مجمع خوبان، ز خوبی شاذ و یکتائی
خدا عمرت دهد جانم، بهار رنگ و زیب هستی	چه خوش صحبت، چه پرافت چه زیبا و چه رعنائی
به خواب خوش ترا دیدم، به بیداری نصیبم شد	که می آئی به پرسیانم، ولی دیری نمیپائی
ترا منزل فراوان و همه میل ترا دارد	چه بهتر زین بود جانم، که نزد من بیاسائی
ندارم طاقت دوری، دلم افسرده مهجوری	چه سان عمری بسر آرم، به دوری و شکیبائی
منم آن بابۀ پیرت، که در دل مهر تو دارد	به چشم باز میبینم، که رفتی و نمی آئی
به جز یادی ز یارانم، به جز عشق عزیزانم	ندارم ثروت دیگر، درین دنیای تنهائی

نمیدام چه خواهد شد، در آخر روزگار من

ازین سودای بی حاصل، درین دنیای ناپائی